

الگوی برآورد راهبردی توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی^۱

مهدی ناظمی اردکانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۳

چکیده

شناخت و رعایت رویکرد دفاعی در هدف‌گذاری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان عموم کشورها به‌ویژه کشوری مانند ج.ا.ایران با موقعیت خاص فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی، حیاتی است. چنین رویکردی می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را به قدرت بازدارندگی و توان دفاعی لازم در برابر قدرت‌های معاند برساند. توان دفاعی کشور از بُعد نیروی انسانی، تابعی از تولید توان دفاعی نظامیان، بسیجیان و غیرنظامیان است. در این تحقیق تلاش شده سهم تأثیر هر کدام از این نیروها و همچنین سهم تأثیر هر یک از عوامل هفت‌گانه جمعیت (تعداد)، سن، دانش، دسترسی به امکانات، امید به زندگی، روحیه دفاعی و مهارت نظامی در تولید توان دفاعی هر یک از نیروهای سه‌گانه را مشخص سازد. ابزار گردآوری اطلاعات با بهره‌گیری از الگوی تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی (AHP) به صورت پرسشنامه بسته تهیه شد. با روش پیمایشی سهم تأثیر ابعاد و عوامل مؤثر، براساس نظرات ۴۴ نفر از مدیران و خبرگان راهبردی نظامی - دفاعی کشور به‌دست آمد و در نهایت، الگوی برآورد در قالب معادله رابطه عوامل مؤثر با توان دفاعی توسعه داده شده است. روحیه دفاعی با سهم تأثیر بالا، عامل مؤثر مشترک در توان دفاعی همه نیروها، عامل بعد به ترتیب در نظامیان، مهارت نظامی و در نیروهای بسیج، سطح تحصیلات و در غیرنظامیان امید به زندگی مشخص گردید.

واژگان کلیدی: قدرت ملی، توسعه انسانی، توان دفاعی، توان نظامی، روحیه دفاعی.

۱. این مقاله برگرفته از یافته‌های یکی از طرح‌های تحقیقاتی انجام شده در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی ارائه شده است.

۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) mnazemi32@yahoo.com

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

توان دفاعی یک جامعه و کشور را نمی‌توان در توان نظامی آن مرکب از نیرو و تجهیزات مجموعه نیروهای مسلح خلاصه نمود. ترکیبی از توان نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که توان دفاعی جامعه را می‌سازد و در برابر تهدیدها، قابلیت دفاع و پایداری و امنیت را فراهم می‌آورد. نیروی انسانی، عامل مؤثری در شکل‌دهی توان اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و در نهایت، توان دفاعی هر جامعه‌ای است. حضرت امام (ره) بر ایجاد توان دفاعی و افزایش قدرت نظامی بر اساس آموزه‌های اسلامی همواره تأکید داشته و در موارد زیر می‌فرمایند:

«چنانچه قرآن کریم دستور داده باید مهیا شده و مهیا شدنمان هم به طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند آنهایی که بنا و خیال هجمه دارند، دشمنانمان بترسند از قوه شما» (۱۳۵۹/۱/۲۶).

«اسلام در بُعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند، تعلیم نظامی می‌دهد، برای دفاع از مرزها، نیروهای مؤمن ورزیده تربیت می‌کند» (۱۳۶۴/۵/۲۵).
«امیدوارم ایران به اندازه جوانانی که دارد ارتش داشته باشد، یک ارتش ملی اسلامی انسانی در مواقع احتیاج چندین میلیون از افراد حاضر به خدمت داشته باشد» (۱۳۶۱/۱۱/۲۱).

میزان و اندازه توان دفاعی برای کشورمان و برای کشورها و جوامع اسلامی در نظر حضرت امام (ره) از نظر آمادگی افراد و تجهیزات، تا آن اندازه است که موازنه قوا در جهان برقرار شود:

«مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود» (۱۳۶۷/۴/۲۹).

ایشان در پیام ۶۷/۶/۲۶ و در مقطع زمانی پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، راهبرد دفاع همه‌جانبه را به این شرح توصیه می‌فرمایند:

«باید در جذب هر چه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب همت گماشت و تجارب را به دیگران منتقل ساخت و به تجهیز کلیه واحدها و افراد این کشور بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه‌جانبه و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی ارتش بیست میلیونی کوشش نمود و در کنار این مسئولیت بزرگ و پیروی از خطوط کلی سیاست نظامی کشور، باید همان محافل انس و نور را ثبت و برادری و وحدتی که در میدان‌های نبرد و در جبهه بوده است و همان ارتباط معنوی که میان شما و روحانیون عزیز بود، برقرار باشد و به مجامع داخلی و به همه محیط‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی کشانده شود».

بررسی‌های انجام گرفته در موضوع سرمایه انسانی بر اساس شاخص‌های معین و تعیین نرخ شاخص‌های توسعه انسانی برای یک کشور و همچنین تعیین جایگاه جمعیت و سرمایه انسانی در میان عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ملی برای تعیین راهبرد دفاعی می‌تواند چارچوب مناسب نظری برای ارزیابی توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی باشد.

افزون بر اینکه کمیت نیروی انسانی جامعه اعم از نیروی انسانی نظامی و نیروی انسانی بسیج و غیرنظامی جامعه در تولید توان دفاعی یک کشور مؤثرند، کیفیت این نیروی انسانی از جهت‌های مختلف به‌خصوص کیفیت رزمی و دفاعی نیز مؤثر می‌باشد. برای تعیین این کیفیت باید عوامل مؤثر در تولید توان دفاعی هر یک از نیروها را معین کرد و شاخص‌های مناسب برای سنجش آنها در نظر گرفت و با تعیین ضریب تأثیر هر یک از آنها، الگوی برآورد را به‌دست آورد تا بتوان نسبت به محاسبه توان دفاعی هر دسته از نیروها و در مجموع اقدام نمود.

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع

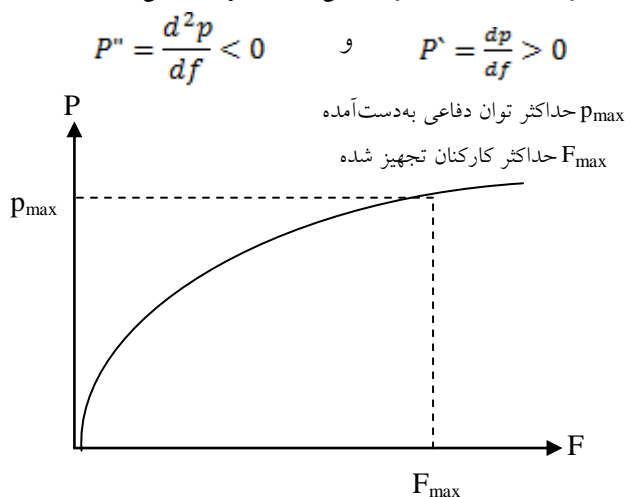
دوران دفاع مقدس به خوبی نشان داد که رزمندگان اسلام با وجود اینکه از نظر عدّه و عدّه نسبت به دشمن به هیچ وجه برابری نمی کردند، ولی به موجب اعتقاد، ایمان، تعهد، انگیزه و روحیه دفاعی که داشتند با مقاومت حماسی خود به پیروزی دست یافتند و دشمن را ناکام گذاشتند، بنابراین بخش اصلی توان دفاعی و رزمی را باید از طریق تأمین کارایی دفاعی و رزمی و به ویژه تعهد و انگیزه دفاع از کشور و انقلاب اسلامی به معنای دفاع میلیونی فراهم کرد. توان دفاعی را نمی توان با تعداد تجهیزات و نیروی نظامی و غیرنظامی معادل گرفت. کیفیت نیروی انسانی، عامل مؤثری است.

$$P = \alpha \cdot F$$

تعداد کارکنان تجهیز شده (Force) \times ضریب کیفیت نیروها = توان دفاعی (Power)

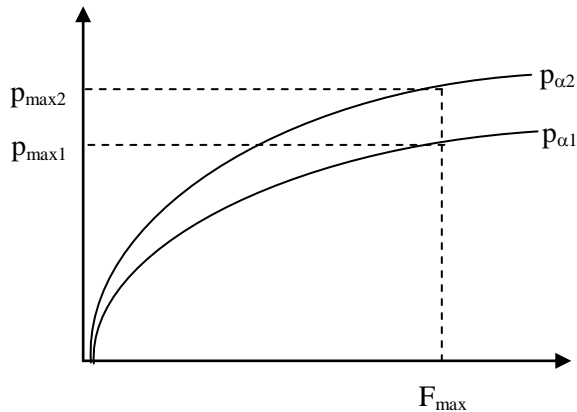
افزایش هر یک از دو عنصر α و F توان دفاعی را افزایش می دهد، ولی به موجب محدودیت دولت ها در پشتیبانی از نیروهای مسلح، نرخ توان دفاعی بر حسب افزایش کارکنان تجهیز شده در مرحله ای نزولی خواهد بود:

نمودار شماره ۱. رابطه توان دفاعی و تعداد نیروی انسانی



اگر ضریب کیفیت دفاعی و رزمی نیروها (روحیه و کارایی) افزایش یابد، منحنی تابع جابه‌جا می‌شود.

نمودار شماره ۲. رابطه توان دفاعی و کیفیت نیروی انسانی



به این ترتیب، تعیین کارکنان تجهیز شده در سازمان نیروهای مسلح برای یک کشور متناسب با مقیاس جمعیت و جغرافیا، موضوعی مهمی است که باید نسبت به محاسبه آن اقدام شود. ضریب کیفیت دفاعی و رزمی کارکنان تجهیز شده متأثر از شرایط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه خواهد بود:

$$\alpha = f(D, C, S)$$

D=Development توسعه نیروی انسانی (تحصیلات، میانگین سنی، امید به زندگی و دسترسی به امکانات):

C = Commitment روحیه دفاعی، تعهد و انگیزه:

S = Skill مهارت دفاعی:

در صورتی که توان دفاعی دو کشور «الف» و «ب» به این ترتیب باشد:

$$P_b = \beta \cdot F_b \text{ و } P_a = \alpha \cdot F_a$$

زمانی موازنه قوا برقرار است که: $P_a = P_b \rightarrow \alpha F_a = \beta \cdot F_b$

$\frac{\alpha}{\beta}$ کارایی دفاعی و رزمی نسبی هر فرد تجهیزشده از کشور «الف» نسبت به کشور «ب» را نشان می‌دهد. اگر $\alpha = 4$ و $\beta = 2$ باشد؛ یعنی هر فرد تجهیزشده کشور «الف» دو برابر هر فرد تجهیزشده از کشور «ب» توانایی دفاعی و رزمی دارد.

وقتی قرآن کریم در آیه ۶۵ سوره انفال می‌فرماید: «عشرون صابرون یغلبوا مائتین» به این معناست که $\frac{\alpha}{\beta} = 10$ به این ترتیب، کارایی دفاعی و رزمی افراد جبهه اسلام نسبت به دشمن ده برابر است؛ ولی این نسبت ده برابر در زمانی است که شرایط روحی مطلوب فراهم باشد، ولی اگر ضعف روحی و معنوی در جبهه اسلام پیدا شد، نسبت دو برابر برقرار می‌شود. خداوند در آیه ۶۶ سوره انفال می‌فرماید: «اکنون که خدای متعال دانست بر شما ضعیفی وجود دارد، اگر صد نفر صابر از شما یافت شود بر دویست نفر غلبه می‌کنند». در این صورت $\frac{\alpha}{\beta} = 2$ ، بنابراین حدود تغییر کارایی دفاعی و رزمی کارکنان $2 \leq \frac{\alpha}{\beta} \leq 10$ خواهد بود.

کارایی دفاعی و رزمی بر تقویت نیروهای مسلح خودی تأکید دارد، ولی کارایی نسبی دفاعی و رزمی، تقویت نیروهای مسلح خودی و تضعیف نیروی نظامی دشمن یا بالعکس را نشان می‌دهد، پس در موازنه قوا باید بر کارایی نسبی دفاعی و رزمی تأکید داشت. دفاع پایدار و همه‌جانبه در شرایطی محقق خواهد شد که توان دفاعی و رزمی

$$P_1 \geq P_2$$

کشور مساوی یا بزرگ‌تر از توان رزمی دشمنان احتمالی باشد.

به‌دست دادن الگویی که بتوان براساس آن توان دفاعی کشور از بُعد نیروی انسانی را سنجید و وضعیت موجود را مورد ارزیابی قرار داد و روند کاهش یا افزایش این توان را به موجب اجرای سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دریافت، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار بوده و مدیران راهبردی کشور را در انجام وظایف خود با موفقیت همراه می‌سازد.

۳-۱. هدف اصلی تحقیق

هدف از انجام این تحقیق، یافتن عوامل مؤثر در تولید توان دفاعی در نیروهای سه‌گانه نظامی، بسیجی، غیرنظامیان و تبیین سهم تأثیر هر یک از این عوامل می‌باشد. آنچه که در دوران دفاع مقدس تجربه شد و به اثبات رسید آن است که کارایی دفاعی و رزمی فقط تابعی از تجهیزات نظامی و مهارت‌های رزمی نیست، بلکه تعهد و انگیزه، سهم خیلی بیشتر دارد و غلبه تعدادی محدود ولی مؤمن و جهادگر بر تعداد کثیر بی‌ایمان و انگیزه، وعده الهی است. پژوهش حاضر در تلاش است این قاعده محکم الهی را با طراحی الگویی مورد تأکید قرار داده تا بتواند توان دفاعی را براساس همه متغیرهای مؤثر و به‌ویژه روحیه دفاعی بسنجد و پیش‌بینی کند.

۵-۱. پیشینه تحقیق

سنجش قدرت ملی و توان دفاعی و نظامی کشورها و رتبه‌بندی آنها یکی از حوزه‌های مؤثر و نو در بررسی‌های راهبردی است. الگوهای چندمتغیره سنجش قدرت ملی برای سنجش قدرت ملی به این شرح ارائه شده است:

جدول شماره ۱. الگوهای مطرح در مورد سنجش قدرت ملی

سال ارائه	تعداد متغیرهای به‌کار رفته در الگو	طراح الگو
۱۹۵۶	۲۶ متغیر: در قالب سه عامل ظرفیت‌های اقتصادی، صلاحیت اجرایی و انگیزه جنگیدن	کلاوس نور
۱۹۷۰	۳ متغیر: تولید ناخالص داخلی، سرانه جمعیت و تراکم جمعیت	الکوک و نیوکمپ
۱۹۷۲	۶ متغیر: وسعت سرزمین، جمعیت، درآمد حکومت، هزینه‌های دفاعی، حجم تجارت بین‌المللی و اندازه نیروهای مسلح	ونیه فریس
۱۹۷۲	۶ متغیر: جمعیت، مصرف انرژی، تولید فولاد، هزینه و تعداد نیروهای نظامی	دیوید سینگر
۱۹۷۵	۵ متغیر: وسعت، جمعیت، تولید فولاد، تعداد نفرات ارتش و تعداد موشک‌های قاره‌پیما	ریچارد مویر
۱۹۹۱	۱۰ متغیر: میزان پس‌انداز، تولید کشاورزی، تولید صنعتی، درصد صادرات، تحقیق و توسعه، تعداد دانشمندان، تعداد مهندسان، تعداد اختراعاتها	سوئل کوهن

(زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶)

زرقانی، قدرت ملی کشورهای اسلامی را در قالب نُه عامل علمی، اقتصادی، اجتماعی، سرزمینی، فرهنگی، سیاسی و حکومتی، فرامرزی، فضایی و نظامی، رتبه‌بندی کرده و در هر یک از عوامل نُه‌گانه، رتبه ایران را مشخص نموده است (زرقانی، تابستان ۱۳۹۱). نیروی انسانی از منابع راهبردی در ساخت قدرت ملی و توان دفاعی بوده و مهم‌ترین مزیت رقابتی برای هر سازمان و کشوری است.

مفهوم توسعه انسانی به جای تمرکز بر ابزار، به هدف‌های پیشرفت و توسعه تأکید دارد. هدف واقعی پیشرفت باید خلق محیطی برای انسان‌ها باشد که در آن استعدادها بالقوه انسان، بالفعل شود. شاخص توسعه انسانی، چکیده اندازه‌گیری‌های توسعه انسانی است. گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد گویای وضعیت سرمایه انسانی و اجتماعی کشورها می‌باشد و می‌توان نسبت به رتبه‌بندی آنها اقدام نمود. بر اساس گزارش ۶ اکتبر ۲۰۰۹، ج.ا.ایران در بین ۱۸۲ کشور جهان، رتبه ۸۸ را دارد. در تحقیق انجام‌شده، وضعیت توسعه انسانی در کشورهای منتخب حوزه سند چشم‌انداز بیست ساله کشور (منطقه آسیای جنوب غربی شامل کویت، امارات متحده عربی، بحرین، ارمنستان، ترکیه، لبنان، ایران، آذربایجان، سوریه و پاکستان)، جمهوری اسلامی ایران با توسعه انسانی متوسط در رتبه دوازدهم قرار می‌گیرد. کویت دارای رتبه اول و پاکستان رتبه بیست و دوم را داراست (محمد علیخانی، ۱۳۹۱: ۴۱۵).

شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۱ معادل ۰/۷۰۷ است که در گروه دارای شاخص بالا قرار می‌گیرد. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ شاخص توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران از ۰/۴۳۷ به ۰/۷۰۷ رسیده است که ۶۲٪ رشد کلی و به‌طور میانگین ۱/۶ درصد رشد سالانه را نشان می‌دهد (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۹). با بررسی پژوهش‌های انجام شده مشخص می‌گردد که این در تحقیق‌ها، جای پژوهشی که به توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی پرداخته باشد، خالی است.

۱-۶. پرسش‌های تحقیق

این پژوهش در پی پاسخ به سه پرسش می‌باشد:

- ۱-۶-۱. مؤلفه‌های توسعه انسانی مؤثر در افزایش توان دفاعی کدامند؟
- ۱-۶-۲. شاخص‌های کمی و کیفی این مؤلفه‌ها کدام است؟
- ۱-۶-۳. هر یک از این شاخص‌ها چه سهم تأثیری دارند؟

۱-۷. روش تحقیق

با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مشخص شده و سپس با روش AHP یا تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی، سهم تأثیر شاخص‌های کمی و کیفی مؤلفه‌های توسعه انسانی مؤثر در افزایش توان دفاعی، با نظر خبرگان تعیین می‌گردد.

۱-۸. ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه مقایسه زوجی، ابزار گردآوری اطلاعات می‌باشد. بر اساس الگوی سلسله‌مراتبی ساختار AHP چهار ماتریس زیر به وجود می‌آید:

در ماتریس اول سهم تأثیر هر یک از نیروها در توان دفاعی کشور سنجیده می‌شود و در سطر و ستون آن نیروی نظامی، نیروی غیرنظامی و نیروی بسیجی قرار می‌گیرد.

در سه ماتریس دیگر، درجه اهمیت هر یک از شاخص‌ها در توان دفاعی نیروهای نظامی، بسیجی و غیرنظامی سنجیده می‌شود و در سطر و ستون آنها جمعیت، میانگین سن، امید به زندگی، دسترسی به امکانات، روحیه نظامی و مهارت نظامی قرار می‌گیرد. به این ترتیب، پرسشنامه‌ای با ۶۶ مقایسه زوجی به دست می‌آید.

۹-۱. جامعه آماری تحقیق

صاحب نظران و خبرگان راهبردشناس دفاعی برای یک دوره زمانی بلندمدت می‌توانند سهم تأثیر این عوامل را در ارتقای توان دفاعی کشور مشخص سازند. جامعه آماری این تحقیق، مدیران و کارشناسانی در مشاغل رده‌های راهبردی ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نیروی انتظامی، ستاد کل نیروهای مسلح، شورای امنیت و شورای عالی امنیت ملی و کمیسیون دفاعی و امنیتی مجلس شورای اسلامی و کمیسیون دفاعی و امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی بوده است. اطلاعات توصیفی این خبرگان به این شرح است: مقام‌های لشکری ۴۰ نفر و مقام‌های کشوری ۴ نفر بودند. از این تعداد ۴ نفر دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۸ نفر کارشناسی ارشد، ۸ نفر دکتری بوده‌اند. جایگاه‌های سازمانی مقام‌های لشکری: سرهنگی ۰/۵٪، سرتیپ دومی ۲۷/۵٪، سرتیپی ۳۲/۵٪، سرلشکری ۲۰٪ و سپهبدی ۷/۵٪، و ارتشبدی ۷/۵٪ و ۳۳٪ از ده سال تا ۱۵ سال سابقه خدمت داشته‌اند.

۲. مفاهیم و چارچوب نظری

۲-۱. تعریف مفاهیم

۲-۱-۱. قدرت

قدرت عبارتست از توانایی‌های نفوذ و تأثیر در راه و روش دیگران به شکلی که مطابق مقاصد خاص صاحب قدرت باشد (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۱۴۸). قدرت در اصل به توان و استعداد انسان برای انجام کاری اطلاق می‌شود که مطلوب اوست. از منظر سیاسی، قدرت عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را در نفوذ خود قرار دهد. بر این اساس، بازیگران می‌توانند حکومت‌ها، ملت‌ها، کشورها و سایر گروه‌ها را در انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از آن تحت نفوذ قرار دهند

(Glassner, 2004: 216). مفهوم قدرت در مرکز تمام تحلیل‌هایی است که در عالم سیاست وجود دارد: «همه سیاست‌ها تلاشی برای کسب قدرت است» (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۵). قدرت ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی بالفعل گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور قرار دارد (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۰).

قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود و برآیند توانایی‌های آن جامعه یا ملت باشد، از آن به قدرت عمومی و کلی تعبیر می‌شود. در این چارچوب، مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده‌اند و در شکل یک کشور، سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، قدرتی دارند که از برآیند قوای ترکیب‌شده آنها به دست می‌آید و آن را می‌توان قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست؛ به عبارت دقیق‌تر، قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کنند که برآیند توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۱).

پاره‌ای از اسباب، وسایل و ویژگی‌ها از قبیل ثروت، منابع طبیعی، نیروی انسانی، سرزمین وسیع و مساعد، نیروهای نظامی، مهارت سیاسی وجود دارند که برای تشکیل قدرت ملی مؤثرند، ولی اینها خود قدرت نبوده بلکه اسباب آن هستند. صرف داشتن آنها ملتی را قدرتمند نمی‌کند. این وسایل و اسباب در صورتی موجب قدرت می‌شوند که باعث تأثیر در راه و روش ملل دیگر در جهت و مطابق مقاصد صاحب آن باشد (سنجابی، ۱۳۷۵: ۷۳).

قدرت ملی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است (زرقانی، تابستان ۱۳۹۱).

قدرت یا توان دفاعی، میزان توانایی در جلوگیری از نفوذ و فشار قدرت‌های خارجی است. قدرت نظامی، عبارتست از ابزار و عوامل قانونی اعم از نیروی نظامی که

برای اعمال خشونت و زور بوده و از این وسیله در روابط بین‌الملل و در صورت لزوم به منظور برقراری امنیت داخلی استفاده می‌شود (سنجایی، ۱۳۷۵: ۱۲۴-۱۲۲). کشورها به طور دائم برای کسب قدرت تلاش می‌کنند و قدرت برای بقا و حفظ موجودیت آنها ضروری است؛ به عبارت دقیق‌تر، مبارزه کشورها برای کسب قدرت، حفظ قدرت و یا نمایش قدرت است (عالم، ۱۳۷۶: ۸۸).

۲-۱-۲. نیروی انسانی نظامی

نیروی انسانی نظامی، مجموعه نیروهایی هستند که در ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آنان اشتغال دارند.

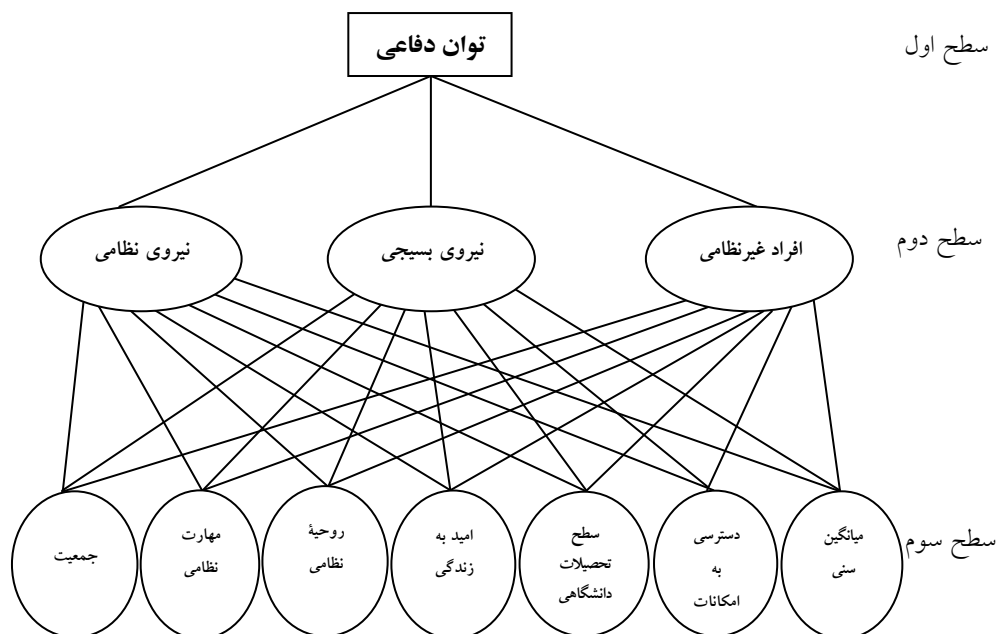
۲-۱-۳. نیروی انسانی بسیجی

نیروی انسانی بسیجی، مجموعه نیروهایی که به‌عنوان اعضای فعال و ویژه بسیج دارای آموزش و مهارت نظامی بوده و آمادگی دفاع را دارند.

۲-۱-۴. نیروی انسانی غیرنظامی

نیروی انسانی غیرنظامی، مجموعه نیروهایی که غیر از دو مجموعه یادشده می‌باشد. این مجموعه نیز دارای آموزش و مهارت نظامی در حد امکان بوده و به‌خصوص نزدیک نیمی از این مجموعه که شامل مردان می‌شود، به‌عنوان نیروهای احتیاط مطرح می‌باشند. ساختار سلسله‌مراتبی به این شرح قابل رسم است:

شکل شماره ۱. ساختار سلسله‌مراتبی



با بهره‌گیری از این الگو مشخص خواهد شد:

- (۱) سهم تأثیر هر یک از مجموعه‌های نیروی نظامی، نیروی بسیجی، نیروی غیرنظامی در توان دفاعی کشور چه میزان است و کدامیک دارای اهمیت بیشتری هستند.
- (۲) هر یک از شاخص‌های هفت‌گانه سطح سوم دارای چه درجه‌ای از اهمیت برای تواناسازی هر یک از مجموعه‌های سه‌گانه سطح دو در رابطه با ارتقای توان دفاعی کشور می‌باشند.

۲-۲. عناصر شکل‌دهنده قدرت ملی و توان دفاعی

قدرت ملی، منشأ و مبادی گوناگونی دارد و بر عوامل و منابع گوناگونی تکیه داشته و از آنها ناشی می‌شود. عوامل و منابع اصلی شکل‌دهنده قدرت ملی کشورها در حوزه‌های

مختلفی قرار دارند. عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، جغرافیایی، علمی و روحانی، اجتماعی و نظایر آن، جملگی می‌توانند منشأ قدرت کشورها باشند که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می‌پردازند (حافظنیا، ۱۳۸۹: ۱۲۲). عوامل قدرت ملی به صورت کمی و کیفی وجود دارند؛ به عبارتی متغیرهای هر یک از عوامل مزبور ممکن است جنبه کمی و کیفی داشته باشند، ضمن اینکه برخی از عوامل قدرت، نقش اساسی و مبنایی دارند و برخی به طور ثانوی مطرح می‌شوند (تلیس، ۱۳۸۳: ۲۵).

توان دفاعی، تابعی از قدرت ملی و قدرت ملی، تابعی از عناصر فراوانی مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، نظامی، علمی و فناوری، فرامرزی و فضایی، است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۷۳-۲۷۰). همچنین عوامل و عناصر قدرت ملی به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم شده‌اند:

- (۱) عناصر مادی تشکیل‌دهنده قدرت ملی: وضع جغرافیایی، منابع طبیعی، جمعیت (نیروی انسانی)، پیشرفت اقتصادی و صنعتی، نیروی نظامی،
- (۲) عناصر غیرمادی تشکیل‌دهنده قدرت ملی: ایدئولوژی، ویژگی‌های ملی، روحیه ملی، کیفیت حکومت، کیفیت دیپلماسی، جایگاه بین‌المللی، هستند (سنجایی، ۱۳۷۵: ۷۷-۷۶). عناصر یازده‌گانه یادشده مستقل از یکدیگر نمی‌باشند. عنصر نیروی انسانی را نمی‌توان فقط عنصری مادی در نظر گرفت، بلکه عناصر غیرمادی همگی معطوف به همین عنصر می‌باشند، پس عامل نیروی انسانی را باید به‌عنوان عنصر محوری مورد توجه قرار داد. بعضی از متفکران عقیده دارند وضعیت جغرافیایی تأثیر مطلق بر نوع و اندازه قدرت ملی دارد. گرچه این نظریه اثبات نشده است، ولی بی‌تردید بین قدرت ملی و وسعت و موقعیت سرزمین و حاصل‌خیز بودن آن، منابع طبیعی و مواد خام ارتباط مستقیم وجود دارد. گرچه ارتباط قدرت ملی با اندازه جمعیت مطلق نیست، ولی اعتبار جمعیت به حدی است که هیچ کشوری دارای جمعیت کم نمی‌تواند به یک قدرت بزرگ تبدیل شود. وجود جمعیت بالا شرط لازم ایجاد قدرت ملی است (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۲۵۵). با

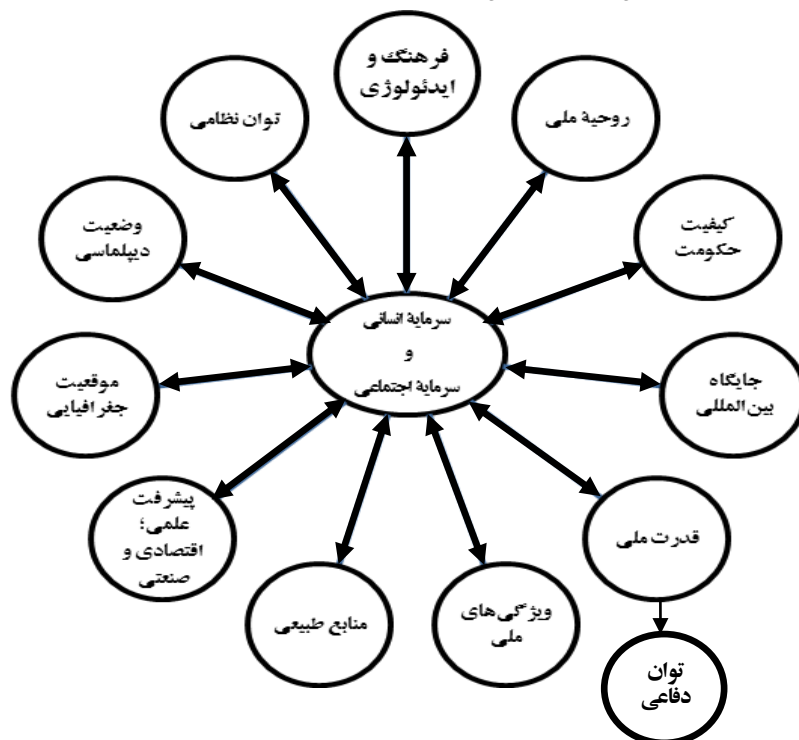
به‌کارگیری اثربخش منابع طبیعی و نیروی انسانی در پرتو رشد علم و فناوری است که تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد و پیشرفت اقتصادی و صنعتی حاصل می‌شود. میزان پیشرفت یک کشور بیانگر درجه به‌کارگیری منابع طبیعی و نیروی انسانی در جهت تقویت قدرت ملی است. برای ارزیابی درجه پیشرفت اقتصادی از شاخص «میزان تولید بر مبنای ساعت کار» و یا «درآمد سرانه» استفاده می‌شود. سازمان نظامی قدرتمند با نیروی انسانی مناسب و جنگ‌افزارهای پیشرفته و نوین، پشتوانه لازم را برای جلوگیری و یا مقابله با موانع داخلی و خارجی اعمال سیاست‌ها و تحقق هدف‌های کشور فراهم می‌سازد.

عناصر پنج‌گانه مادی وقتی با عناصر شش‌گانه غیرمادی همراه شدند، توان دفاعی مؤثری را می‌سازند. فرهنگ، ارزش‌ها و ایدئولوژی از اصلی‌ترین عوامل غیرمادی قدرت هستند. «ایدئولوژی، یک نظریه کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۰). این عامل موجب افزایش روحیه ملی، اعتماد مردم به حاکمیت، وحدت و انسجام در ملت، نفوذ در سایر ملت‌ها و اتحاد و هماهنگی با ملت‌های دارای فرهنگ مشترک می‌شود.

ویژگی ملی، طرز تفکر و احساس و عمل یک ملت، و روحیه ملی، درجه‌ای از تصمیم یک ملت برای پشتیبانی از سیاست کشور در زمان جنگ و صلح است که به همراه حکومت خوب و پشتیبانی مردم و دیپلماسی مؤثر خارجی و اعتبار بین‌المللی، از جمله عوامل غیرمادی دیگری هستند که در شکل‌دهی قدرت ملی نقش دارند.

یک کشور وقتی به حداکثر قدرت خود می‌رسد که بین عوامل مادی و غیرمادی از نظر کمی و کیفی، هماهنگی و تعادل برقرار بوده و آن کشور را قادر سازد تا بتواند سیاست‌های داخلی و خارجی خود را با حداکثر موفقیت دنبال نماید. به این ترتیب رشد نامتوازن نیروهای مسلح می‌تواند موجبات تضعیف سایر عوامل را فراهم نماید و کاهش قدرت ملی را در پی داشته باشد.

شکل شماره ۲. عوامل اصلی مؤثر بر سرمایه انسانی و اجتماعی



قدرت ملی براساس شاخص‌هایی که برای هر یک از عوامل یادشده وجود دارد، قابل سنجش بوده و می‌توان براساس آن به رتبه‌بندی کشورها پرداخت. ایران در رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام، پس از ترکیه با ۱۰۷/۲ امتیاز، دارای رتبه دوم با ۱۰۳/۶ امتیاز می‌باشد. این دو کشور در سطح یک قدرت منطقه‌ای قرار دارند و کشورهای اندونزی، مالزی، پاکستان، قزاقستان، عربستان، مصر، بوسنی و هرزگوین، الجزایر، امارات، تونس، مراکش، آلبانی با امتیاز بین ۵۰ تا ۱۰۰ در سطح دو قدرت و سایر کشورها (۲۹ کشور) در سطح سه قدرت قرار می‌گیرند (زرقانی، تابستان ۱۳۹۱: ۲۲).

۲-۳. مؤلفه‌های توسعه انسانی

مفهوم سرمایه انسانی تا دهه ۱۹۶۰ که تئودور شولتز^۱؛ اقتصاددان آمریکایی، هزینه‌های آموزش را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، وارد ادبیات توسعه نشده بود. طبق نظریه سرمایه انسانی، هر گونه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی موجب افزایش کارایی و درآمد آتی مشخص می‌شود، بنا بر این اصل، هزینه‌های آموزش نیروی انسانی، بازده خاص خود را دارد (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۴۲). توسعه و رشد منابع انسانی، پیش شرط توسعه ملی و دستیابی به قدرت ملی و توان دفاعی است. «منابع انسانی، پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد؛ چرا که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را تشکیل می‌دهند و قدرت ملی را پیش می‌برند» (هاریسون، ۱۹۷۳). توشین دوکو^۲ به‌عنوان یکی از بنیانگذاران ژاپن امروز می‌گوید: «ما نه هیچ منبعی طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم و آن هم ظرفیت ابداع مغزهایمان است، این منبع، پایان‌ناپذیر است، باید آن را بسط داد، تربیت کرد، مجهز ساخت. این قدرت ذهنی خواه ناخواه در یک آینده نزدیک، گرانبهارترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود» (موریتا، ۱۳۸۰: ۱۲۷). توسعه انسانی به معنی تواناسازی انسان‌ها برای کیفیت بهتر زندگی فردی، اجتماعی و سازمانی است. توسعه انسانی در یک کشور را می‌توان بر اساس هزینه‌های انجام شده برای آن محاسبه کرد.

$$\frac{HD}{GNP} = \frac{PE}{GNP} \times \frac{SS}{PE} \times \frac{HD}{SS}$$

هزینه‌های توسعه انسانی به تولید ناخالص داخلی = (نسبت کل هزینه‌های عمومی به تولید ناخالص داخلی) × (نسبت هزینه‌های بخش اجتماعی به هزینه‌های عمومی) × (نسبت هزینه‌های توسعه انسانی به هزینه‌های بخش اجتماعی)

1. Theodore Schultz
2. Toshin Doko

این معادله فقط می‌تواند بینش محدودی از توسعه انسانی را به دست دهد.

۲-۴. شاخص‌های مؤلفه‌های توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی

شاخص می‌تواند به معنای نشانه یا معرف چیزی باشد که به‌طور مستقیم به سنجش در نمی‌آید (تامسون، ۱۳۷۵: ۲۰). «عدد شاخص، عددی است که به‌وسیله آن می‌توان تغییرهای ایجاد شده در یک پدیده را در فاصله دو زمان یا مکان مختلف نشان داد» (دوپویی، ۱۳۷۴: ۵۶). دو نوع شاخص وجود دارد که یکی شاخص‌های ساده و دیگری شاخص‌های ترکیبی است. شاخص ساده، عددی است محض و تعریف آن بر مبنای کمیت و بر اثر تغییر مقیاس انجام می‌شود. این شاخص، امکان مقایسه تغییر یک کمیت واحد را در دوره‌های زمانی فراهم می‌کند. شاخص جمعیت و سن، از این نوع شاخص هستند. شاخص ترکیبی، عبارتست از ترکیب شاخص‌های ساده مانند شاخص توسعه انسانی که ترکیبی از سه شاخص دانش و طول عمر و دسترسی به امکانات است (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷: ۷۹).

۲-۴-۱. شاخص‌های ساده (کمی)

۱-۱-۲-۴. عمومی؛ که شامل «تعداد نیروی انسانی» (جمعیت) و «سن» است.

۱-۲-۴-۱. خاص؛ که شامل «تعداد نیروی نظامی» و «تعداد نیروی بسیجی» است.

۲-۴-۲. شاخص‌های ترکیبی (کیفی)

۱-۲-۴-۲-۱. عمومی؛ که شامل «تحصیلات»، «امید به زندگی» و «دسترسی به امکانات» هستند.

۱-۲-۴-۲-۲. خاص؛ که شامل «مهارت نظامی» و «روحیه دفاعی» است.

شاخص‌های یادشده گویای این موارد است:

جمعیت: مجموع افراد جامعه، سن: میانگین سنی افراد جامعه، تحصیلات: درصد دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلی، امید به زندگی: میانگین سال‌های زندگی افراد جامعه

در یک دوره زمانی، دسترسی به امکانات: میزان و چگونگی تولید و توزیع امکانات مورد نیاز زندگی در جامعه، مهارت نظامی: کیفیت به کارگیری دانش و فنون نظامی برای دفاع، روحیه دفاعی: انگیزه مؤثر برای مبارزه مسلحانه یا مقاومت در برابر دشمنان.

برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی ارتقای توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی لازم است درجه تأثیر هر یک از شاخص‌های نُه‌گانه معطوف به نیروی انسانی را مشخص کرد. ساختار سلسله‌مراتبی^۱ الگوی انعطاف‌پذیری است که احساس و درک غیراستدلالی (شهودی) ناشی از قضاوت‌های ارزشی و دستاوردهای استدلالی و منطقی را با استفاده از یک روش منسجم جهت تصمیم‌گیری سازمان می‌دهد.

برای ترسیم ساختار سلسله‌مراتب، می‌توان از سطح آخر (پایین‌ترین سطح) با فهرست کردن گزینه‌ها به‌عنوان عناصر این سطح شروع کرد و سطح بالاتر را معیارهای قضاوت پیرامون این گزینه‌ها قرار داد و در بالاترین سطح، معیاری قرار داد که هدف اصلی تصمیم‌گیرنده در انتخاب گزینه‌هاست. پس از طراحی ساختار سلسله‌مراتبی، مقایسه زوجی (دو به دو) و تطبیقی عناصر و عوامل با یک مقیاس ۱ تا ۹ انجام می‌گیرد که بسیار ساده می‌تواند برای عوامل کمی و کیفی به کار گرفته شود. مقیاس ۱ تا ۹ نسبی عبارتست از:

۱: اهمیت مساوی، ۲: اهمیت مساوی تا متوسط، ۳: اهمیت متوسط، ۴: اهمیت متوسط تا زیاد، ۵: اهمیت زیاد، ۶: اهمیت زیاد تا خیلی، ۷: اهمیت خیلی زیاد، ۸: اهمیت خیلی زیاد تا مطلق، ۹: اهمیت مطلق

۳. یافته‌های تحقیق

سهم تأثیر نیروهای نظامی، بسیج و غیرنظامیان در توان دفاعی به این شرح است:

جدول شماره ۲. سهم تأثیر نیروهای نظامی، بسیج و غیرنظامیان در توان دفاعی

بُعد	وزن	وزن اسمی
نظامیان	۰/۴۶۸	۱/۰۰
بسیجیان	۰/۴۳۶	%۹۳
غیرنظامیان	۰/۰۹۵	%۲۰
جمع	۱/۰۰	-

سهم تأثیر هر یک از عوامل در بُعد نیروی انسانی به این شرح می‌باشد:

جدول شماره ۳. سهم تأثیر هر یک از عوامل در بُعد نیروی انسانی

عامل (شاخص)	وزن تأثیر	وزن اسمی
روحیه دفاعی	۰/۲۵۴	۱
مهارت نظامی	۰/۱۴۶	%۵۷
دسترسی به امکانات	۰/۱۴۶	%۵۷
سطح دانش	۰/۱۴۳	%۵۶
امید به زندگی	۰/۱۳۶	%۵۳
میانگین سنی	۰/۰۸۸	%۳۴
تعداد	۰/۰۸۷	%۳۴
جمع	۱/۰۰	-

سهم تأثیر هر یک از عوامل در رابطه با نیروهای نظامی به این شرح است:

جدول شماره ۴. سهم تأثیر هر یک از عوامل در رابطه با نیروهای نظامی

عامل (شاخص)	وزن تأثیر	وزن اسمی
روحیه دفاعی	۰/۲۶۷	۱
مهارت نظامی	۰/۱۶۱	%۶۰
دسترسی به امکانات	۰/۱۴۶	%۵۵
سطح دانش	۰/۱۴۵	%۵۴
امید به زندگی	۰/۱۳۰	%۴۹
میانگین سنی	۰/۰۸۲	%۳۱
تعداد	۰/۰۶۹	%۲۶
جمع	۱/۰۰	-

سهم تأثیر هر یک از عوامل در رابطه با نیروهای بسیج به این شرح است:

جدول شماره ۵. سهم تأثیر هر یک از عوامل در رابطه با نیروهای بسیج

وزن اسمی	وزن تأثیر	عامل (شاخص)
۱	۰/۲۵۳	روحیه دفاعی
%۵۵	۰/۱۴۰	مهارت نظامی
%۵۵	۰/۱۴۰	دسترسی به امکانات
%۵۵	۰/۱۳۹	سطح دانش
%۲۵	۰/۱۳۱	امید به زندگی
%۴۱	۰/۱۰۴	میانگین سنی
%۳۷	۰/۰۹۳	تعداد
-	۱/۰۰	جمع

سهم تأثیر در رابطه با غیرنظامیان به این شرح است:

جدول شماره ۶. سهم تأثیر در رابطه با غیرنظامیان

وزن اسمی	وزن تأثیر	عامل (شاخص)
۱/۰۰۰	۰/۱۹۴	روحیه دفاعی
%۹۰	۰/۱۸۸	امید به زندگی
%۹۱	۰/۱۷۷	سطح دانش
%۸۹	۰/۱۷۳	دسترسی به امکانات
%۵۱	۰/۰۸۹	تعداد
%۴۹	۰/۰۹۵	میانگین سنی
%۳۸	۰/۰۷۴	مهارت نظامی
		جمع

۴. ساخت الگوی برآورد

الگوی برآورد توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی با اعمال سهم تأثیر این ابعاد و عوامل به صورت تابع توان نیروی نظامی، نیروی بسیجی، نیروی غیر نظامی بر حسب متغیرهای هفت گانه به ترتیب زیر به دست می آید:

$$y_1 = f(x_1, x_2, x_3, x_4, x_5, x_6, x_7) = \prod_{i=1}^7 x_i^{a_i}$$

توان دفاعی نیروی نظامی از بُعد نیروی انسانی

$$y_2 = f(x'_1, x'_2, x'_3, x'_4, x'_5, x'_6, x'_7) = \prod_{i=1}^7 x_i'^{b_i}$$

توان دفاعی نیروی بسیجی از بُعد نیروی انسانی

$$y_3 = f(x''_1, x''_2, x''_3, x''_4, x''_5, x''_6, x''_7) = \prod_{i=1}^7 x_i''^{c_i}$$

توان دفاعی نیروی غیرنظامی از بُعد نیروی انسانی

تابع توان دفاعی کشور از بُعد نیروی انسانی به این شرح خواهد بود:

$$y = f(y_1, y_2, y_3) = \prod_{i=1}^3 y_i^{d_i}$$

توان دفاعی در توان دفاعی کل است. به این ترتیب، براساس داده‌های به‌دست آمده:

توان دفاعی غیرنظامیان × توان دفاعی بسیجیان × توان دفاعی نظامیان = توان دفاعی کشور

$$\begin{aligned} Y &= y_1^{0/468} \times y_2^{0/436} \times y_3^{0/095} \\ y_1 &= x_1^{0/069} \times x_2^{0/161} \times x_3^{0/267} \times x_4^{0/13} \times x_5^{0/145} \times x_6^{0/146} \times x_7^{0/082} \\ y_2 &= x'_1{}^{0/104} \times x'_2{}^{0/139} \times x'_3{}^{0/253} \times x'_4{}^{0/131} \times x'_5{}^{0/14} \times x'_6{}^{0/14} \times x'_7{}^{0/093} \\ y_3 &= x''_1{}^{0/089} \times x''_2{}^{0/074} \times x''_3{}^{0/194} \times x''_4{}^{0/188} \times x''_5{}^{0/177} \times x''_6{}^{0/173} \times x''_7{}^{0/095} \\ Y &= (x_1^{0/069} \times x_2^{0/161} \times x_3^{0/267} \times x_4^{0/13} \times x_5^{0/145} \times x_6^{0/146} \times x_7^{0/082})^{0.968} \\ &\times (x'_1{}^{0/104} \times x'_2{}^{0/139} \times x'_3{}^{0/253} \times x'_4{}^{0/131} \times x'_5{}^{0/14} \times x'_6{}^{0/14} \times x'_7{}^{0/093})^{0.436} \\ &\times x''_1{}^{0/089} \times (x''_2{}^{0/074} \times x''_3{}^{0/194} \times x''_4{}^{0/188} \times x''_5{}^{0/177} \times x''_6{}^{0/173} \times \\ &x''_7{}^{0/095})^{0.095} \end{aligned}$$

در الگوی برآورد توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی متغیر x_1 گویای نرخ جمعیت و x_2 نرخ مهارت نظامی و x_3 نرخ روحیه دفاعی و x_4 نرخ امید به زندگی و x_5 نرخ دانش و x_6 دسترسی به امکانات و x_7 میانگین سنی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

(۱) جمع‌بندی

- (۱-۱) سهم تأثیر نیروهای نظامی (۰/۴۶۸) بیشتر از نیروهای بسیج (۰/۴۳۶) و غیرنظامیان (۰/۰۹۵) است. اگرچه فاصله این تأثیر بین نیروهای نظامی و بسیج اندک است.
- (۱-۲) روحیه دفاعی با وزن تأثیر ۰/۲۶۷ مهم‌ترین عامل مؤثر در نیروهای نظامی برای ارتقای توان دفاعی کشور بوده و پس از آن مهارت نظامی و دسترسی به امکانات و در آخر، تعداد مؤثر می‌باشد.
- (۱-۳) در مورد نیروهای بسیج، روحیه دفاعی با ۰/۲۵۳ بیشترین سهم داشته و پس از آن، سطح تحصیلات، دسترسی به امکانات، مهارت نظامی و در آخر، میانگین سنی نقش دارد.
- (۱-۴) در مورد نیروهای غیرنظامی نیز روحیه دفاعی با ۰/۱۹۴ سهم تأثیر بالا داشته و پس از آن امید به زندگی و سطح تحصیلات و دسترسی به امکانات و در آخر، مهارت نظامی مؤثر می‌باشد.

(۲) پیشنهادها

- (۲-۱) روحیه دفاعی مهم‌ترین عامل در افزایش توان دفاعی کشور است. از آنجا که اتخاذ راهبردهایی در جهت تضعیف روحیه دفاعی آحاد مردم می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در تضعیف توان دفاعی کشور داشته باشد، بنابراین باید از اتخاذ این راهبردها در هر یک از حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و دفاعی و نظامی که در

مقابله با دشمن انفعالی باشد، پرهیز شود. پیشنهاد می‌شود برای طرح‌های کلان کشور پیوست دفاعی تهیه گردد تا از اعمال چنین راهبردهایی جلوگیری گردد. سهم تأثیر هر یک از عوامل می‌تواند اولویت تخصیص منابع مالی را در سازمان‌های دفاعی و نظامی مشخص سازد و معیاری برای ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های مختلف به دست دهد.

(۲-۲) عامل «مهارت نظامی» درخصوص نیروهای نظامی از اهمیت بیشتری برخوردار است، پس این نیروها تأثیر بیشتری بر توان دفاعی کشور خواهند داشت و باید نسبت به ارتقای دانش و مهارت نظامی آنان با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری اقدام نمود.

(۲-۳) سهم تأثیر عواملی مانند روحیه دفاعی و مهارت نظامی و دانش و دسترسی به امکانات در نظامیان و بسیجیان نسبت به تعداد بالاتر است، پس تأکید و توجه به عامل کیفیت نسبت به کمیت نیروهای نظامی اثربخش می‌باشد.

(۲-۴) وقتی عوامل روحیه دفاعی و مهارت نظامی در نظامیان بیشترین سهم تأثیر را به خود اختصاص می‌دهد، به این معناست که این دسته از نیروها افزون بر آمادگی در برابر تهدیدهای نرم، اصلی‌ترین نیروها برای مقابله با تهدیدهای سخت هم خواهند بود.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. ارگانسکی، ای.اف.ک (۱۳۵۵)، *سیاست جهان*، ترجمه حسین فرهودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. تامسون، دانگ (۱۳۷۵)، «انتخاب متغیرهای اصلی برای محاسبه شاخص توسعه انسانی»، ترجمه حمید سهرابی، *نشریه گزیده مسائل اقتصادی ایران*، شماره ۱۵۰.
۳. تلیس، اشلی و دیگران (۱۳۸۳)، *سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی*، ترجمه ناشر، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، *قدرت و منافع ملی*، تهران، نشر انتخاب.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی.
۶. دوپوی، گزاویه (۱۳۷۴)، *فرهنگ و توسعه*، ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالمجید زرین قلم، تهران، انتشارات یونسکو.
۷. زرقانی، سیدهادی (تابستان ۱۳۹۱)، «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، *نشریه مطالعات جهان اسلام*، سال اول، شماره دوم.
۸. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۵)، *ارزیابی عوامل و متغیرهای موثر بر قدرت ملی و طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها*، رساله دوره دکتری جغرافیای سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. سنجابی، علیرضا (۱۳۷۵)، *استراتژی و قدرت نظامی*، تهران، انتشارات پازنگ.
۱۰. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، *اصول روابط بین‌الملل*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۱۱. طهماسبی، جواد (۱۳۹۱)، «شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی»، *گزارش راهبردی*، شماره ۱۵۹، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۲. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶)، *مبانی علم سیاست*، تهران، انتشارات آگاه.
۱۳. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳)، *نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل*، تهران، نشر قومس.
۱۴. گریفتن، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۷)، *توسعه انسانی دیدگاه راهبرد*، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران، انتشارات وداد.
۱۵. محمد علیخانی، سلیمه، آصف‌زاده، سعید (۱۳۹۱)، *بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه پایش*، شماره چهارم.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی*، قم، انتشارات صدرا.
۱۷. موریتا، آکیو (۱۳۸۰)، *ساخت ژاپن: مدیریت و موفقیت*، ترجمه یوسف نراقی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۸. نراقی، یوسف (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی و توسعه*، تهران، نشر پژوهش فرزاد.

۲. منابع انگلیسی

1. Glassner, Martin (2004), *Political Geography*, New York, Black Hill.
2. Harbison, F (1973), *Human Resources as the Wealth of Nation*, London, Oxford University Press.